مقایسه همه‌گیری طاعون و کرونا

خبر

جواهری در یک نشست توضیح داد؛

شرط لازم برای مقایسه‌پذیر کردن اطلاعات پیمایش‌ها چیست؟

به همت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات نشست «مسأله ثبات و تغییر در پیمایش‌های ملی» با حضور حسین ابراهیم‌آبادی، غلامرضا غفاری و فاطمه جواهری و با دبیری مصطفی اسدزاده به صورت آنلاین برگزار شد.

در ابتدای این نشست، فاطمه جواهری بازنمایی تغییرات از طریق پیمایش‌های ملی را منوط به شرایطی دانست و گفت: غیر از اینکه پیمایش‌ها باید طولی باشند و چارچوب تحلیل آن‌ها حفظ شود، لازم است که سنجه‌های تغییر، متغیرها و گویه‌های آن‌ها هم با هم مشابهت داشته باشد. مسأله دیگر، مشابهت در شیوه شاخص‌سازی و تحلیل‌ها و آزمون‌های آماری ۳ دوره است. سومین عامل که جزء مولفه‌های درونی پیمایش است و تأثیر مهمی در به‌روزبودن آن دارد، طرح نمونه‌گیری در دوره‌های مختلف یک پیمایش است که باید مشابهت در دوره‌ها وجود داشته باشد. مشابهت در حجم نمونه، الگوی گزارش‌گیری و تکرار در فواصل زمانی مشخص هم ازجمله عوامل مهم دیگر هستند که باید رعایت شوند.

او هم‌چنین با اشاره به عوامل بیرونی موثر در امکان مقایسه‌پذیرکردن داده‌ها افزود: برخی عوامل بیرونی موثر هم وجود دارد که وجود آن‌ها قدرت مقایسه‌پذیری داده‌ها را کم می‌کند و ما نمی‌توانیم تغییرات را از روی داده‌های پیمایش‌ها شناسایی کنیم که یکی از آن‌ها، زمینه و بافت فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است. مورد دوم، نوع نگرش مدیران فرهنگی اجتماعی به پژوهش و دیگری فقدان هماهنگی‌های بین‌سازمانی است که داده‌های آن‌ها هیچ‌وقت با هم تلفیق نشده و در کنارهم قرار نگرفته است. درحالی که برای تشریک مساعی وافزایش استفاده از یافته‌های یکدیگر و کاهش ضریب خطا، نیاز است که سازمان‌ها با هم همکاری کنند.

عضو هیأت‌علمی دانشگاه خوارزمی شرط لازم برای مقایسه‌پذیر کردن اطلاعات پیمایش‌ها را در درجه اول، صحت و اعتبار داده‌ها و در مرحله بعد، دسترس‌پذیر کردن آن‌ها با حاکمیت نگاه غیرامنیتی به اطلاعات پژوهشی دانست و تصریح کرد: ما باید یک عرصه عمومی قوی و فربهی داشته باشیم که اطلاعات را بگیرد و برجسته کند و به سمع و نظر محققان برساند که متأسفانه این مورد را نداریم. هم‌چنین اگر آزادی آکادمیک وجود داشته باشد، این اطلاعات به سهولت در اختیار اندیشمندان قرار می‌گیرد که این بهره‌برداری موثق، امکان مقایسه اطلاعات و فهم تغییر و تحولات جامعه را فراهم می‌کند. متأسفانه برخی مقایسه‌ها انجام می‌شوند ولی برای محققان ارائه نمی‌شوند و به‌عبارتی اطلاعات آن‌ها دچار حصر می‌شود. حصر اطلاعاتی قدرت مقایسه را پایین می‌آورد. یکی از لوازم مقایسه‌پذیرشدن پیمایش‌ها، همین است که حصر اطلاعاتی نباشد و در رسانه‌ها مطرح و در انجمن‌های علمی به بحث گذاشته شود تا از این طریق، دسترس‌پذیر شوند و با برجسته‌سازی و نقد آن‌ها، نسبت به آن‌ها حساسیت ایجاد شود.

در ادامه غلامرضا غفاری به بحث درباره مسأله ثبات و تغییر در پیمایش‌ها پرداخت و اذعان کرد: وقتی که بحث ثبات و تغییر در پیمایش‌ها پیش می‌آید ما با دو واریانس و دو متغیر کلیدی در این خصوص مواجه می‌شویم؛ یکی واریانس زمان و دیگری واریانس پهنه و قلمرویی که پیمایش‌ها دارند. در زمینه قلمرو و پهنه پیمایش، اگر ما به صورت بیناکشوری نگاه کنیم، طبیعتاً این قلمرو، واریانس و تغییرات آن در ملیت‌ها و کشورهای مختلف، متفاوت می‌شود اما وقتی کشوری مثل کشور ایران را بررسی می‌کنیم، ما باید ببینیم پهنه و قلمرو آن چیست. موضوع ثبات و تغییر در این پهنه و قلمرو، برمبنای برش‌هایی‌ست که در پیمایش وجود دارد (استانی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای). ثبات و تغییر هرکدام از اینها را باتوجه به امکانی که در پیمایش وجود دارد و باتوجه به جمعیتی که تحت پوشش خود دارد، می‌توان معنا کرد. اما کلیدی‌ترین نکته‌ای که وجود دارد، مربوط به نوسان‌های مرتبط با زمان است. ما تیپولوژیک‌های مختلفی را براساس تغییراتی که جوامع تجربه می‌کنند و آهنگ تغییراتی که دارند، درخصوص زمان در رابطه با جوامع داریم. درخصوص زمان، باتوجه به آنچه را که پیمایش پوشش می‌دهد، هرچقدر زمان آن‌ها کوتاه‌تر می‌شود و نوسان بیشتری را پیدا می‌کنند، تحت تأثیر عوامل عدیده و مختلفی از جهانی‌شدن و ارتباطات، فضای مجازی و .. در سطح کلان است که اساساً زمان را به لحاظ ماهوی متفاوت و به نوعی این نوسان را بیشتر کرده است. لذا اگر ما به دنبال این هستیم که در پیمایش‌هایمان به مقایسه تطبیقی دست بزنیم، چه بسا لازم است زمان را کوتاه‌تر کنیم و با یک فاصله کمتر بتوانیم مسأله ثبات و تغییر در آن‌ها را پیگیری کنیم.

او با تفکیک دو رویکرد در زمینه نگاه به مقایسه‌پذیری پیمایش‌ها ادامه داد: این انتظار که الآن ما یک کاری را انجام دهیم که به صورت تام و تمام امکان مقایسه را به ما بدهد، این انتظار ما را به سمت یک نگاه مکانیکال می‌برد. اینکه ما آن را به یک پکیج، بسته و یک کپسول تعریف و تعیین‌شده تبدیل کنیم که یک بار برای دهه ۷۰ و یک بار برای دهه ۸۰ و ۹۰ و الی آخر به ما اطلاعات دهد که این در سطحی‌ترین و آن بخش نازل و ساده و عمومی و عینی واقعیات می‌تواند صدق کند ولی با این حجم تغییرات و تحولات و نوسان‌هایی که وجود دارد، صرفاً و طبعاً نمی‌توانیم به آن اکتفا کنیم. خیلی از موارد به لحاظ بافت و شرایط اجتماعی موردتوجه قرار می‌گیرند. بنابراین اینکه می‌بینیم در موج سوم ارزش‌ها و نگرش‌ها، فصل‌هایی اضافه شدند که در دو موج قبل نبوده، ممکن است این موارد در موج سوم به دلیل اهمیتی که داشته، به موارد قبل اضافه شده باشد که در دو موج قبل، چندان قابل اهمیت نبوده‌اند. بنابراین در امر مقایسه، باید به این مسائل توجه کنیم.

غلامرضا ظریفیان رییس اندیشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی در نشست نقد و بررسی این کتاب که در محل این اندیشگاه برگزار شد، اهمیت کتاب را بررسی یک پاندمی فراگیر و یک بیماری عالم‌گیر در دوران پس از تمدن اسلامی در قرن چهاردهم میلادی عنوان کرد و گفت: برخی معتقدند پاندمی‌ها، مقدمه تغییرات بزرگ و بنیادین در طول تاریخ بشریت بوده است. یکی از عوامل مهم رنسانس را هم شیوع پاندمی طاعون عنوان کرده‌اند و هم‌اکنون نیز با یک شیوع وحشتناک و خانمان‌سوز با عنوان کرونا روبه‌رو هستیم. در چنین شرایطی برخی معتقدند که از این پس می‌توان دنیا را به پیشاکرونا و پساکرونا تقسیم کرد.

رییس اندیشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با بیان این‌که موضوع بررسی پاندمی‌ها بین رشته‌ای است، گفت: این امر ابعاد مختلف زندگی انسان را در برمی‌گیرد و به لحاظ مباحث وجودشناسی، معرفتی و نگاه الهیاتی و نیز مسائل انضمامی اقتصادی، فقر، گرسنگی، فاصله طبقاتی و مشکلات روحی-روانی و تحولات فرهنگی و سیاسی نقش ایفا می‌کند.

او به اهمیت و جایگاه این کتاب به خصوص در عصر حاضر پرداخت و گفت: دالس (نویسنده اثر) تلاش کرده با توجه به علاقه‌ای که به مساله تحولات طاعون سیاه داشته به سراغ اسناد برود و منابع مختلف تاریخی و غیرتاریخی را مورد توجه قرار دهد.

ظریفیان به نقد و بررسی کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی» پرداخت و گفت: ۲۵ صفحه نخستین چاپ دوم این کتاب به مقدمه‌ای بسیار عالمانه اختصاص دارد که می‌توان گفت این مقدمه به تنهایی یک مقاله ارزشمند علمی است؛ در این مقدمه فرایند فرهنگی-اجتماعی و تخصصی این پاندمی شرح داده و به بهانه این پاندمی وارد بحث کرونا شده است.

آثار اپیدمی‌ها

در ادامه قربان بهزادیان‌نژاد، استاد میکروب‌شناسی و پژوهشگر علوم بین رشته‌ای به عنوان مترجم کتاب گفت: در زمان ترجمه این کتاب تصور نمی‌کردم جامعه و افراد آن در عصر حاضر، تجربه‌ای مشابه را پیش رو داشته باشند. موضوع کتاب، مرگ سیاه است که در زبان فارسی آن را به طاعون یا افول تمدن اسلامی بازگرداندیم؛ اصولا در تاریخ اجتماعی، طاعون در غرب و شبه طاعون شرق به نوعی همه اپیدمی‌ها و پاندمی‌ها را شامل می‌شود و تعریف دقیقی از طاعون وجود ندارد، البته مرگ سیاه شباهت‌های بسیار زیادی به طاعون دارد.

بهزادیان‌نژاد بی‌توجهی به پیش‌فرض‌های نویسنده را مانع فهم دقیق اثر عنوان و تاکید کرد: لازم و ضروری است که توجه ویژه‌ای به پیش‌فرض‌های نویسنده این اثر داشته باشیم، در غیر این صورت فهم مطلب دشوار به نظر می‌رسد. بر همین اساس باید بپذیریم که اصولا اسلام جن و چشم‌زخم را قبول دارد، در دوران مکی و مدنی اسلام در آیات تفاوت‌هایی است و در زندگی پیامبر(ص) تفاوت‌هایی در میزان قدرت جن وجود دارد و اما بالعکس، هیچ یک از فرقه‌های اسلام سحر و جادو را نمی‌پذیرند. دالس معتقد است در اسلام همه پنج مذهب نسبت به سحر و جادو شدیداللحن برخورد می‌کنند و نیز اصولا در اسلام گناه نخسین وجود ندارد.

او سپس بیان کرد: نویسنده در این اثر به صورت گذرا آثار اجتماعی و سیاسی طاعون‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد؛ در تغییر حکومت رم، در سقوط سلسله ساسانی و در جایگزین شدن عباسی‌ها به جای اموی‌ها این امر موثر بوده است. همچنین طاعون ترکیب جمعیتی را تغییر داد و اصولا نهضت ترجمه هم به نوعی تحت تاثیر این اپیدمی‌ها قرار داشت. دالس در این اثر به گفتمان‌های غالب هم اشاره می‌کند که منظور گفتمان پزشکی و دینی است که ریشه در یونان باستان دارد و تغییراتی را ایجاد می‌کند، نمادهای این پزشکی ابن سینا، رازی، ابن رشد و ... هستند. این پزشکی تئوری به وجود آمدن اپیدمی را هوای آلوده می‌داند که باعث بیماری و انتشار می‌شود و درمان‌های آن نیز بر اساس شیوه‌های مادی است مثلا حجامت، دود دادن و دارودرمانی.

بهزادیان‌نژاد در ادامه با ارائه توضیحاتی درباره گفتمان دینی اپیدمی‌ها در جهان اسلام، به تاثیرات اقتصادی بیماری‌های همه‌گیر اشاره کرد و گفت: بی‌ثباتی اقتصادی در این زمینه اولین بحث و چالش است، نیروی کار به شدت کاهش می‌یابد و حتی کشاورزان نیرویی را برای برداشت محصولات خود پیدا نمی‌کنند، بسیاری از صنایع دستی که در آن دوران صنعت با درآمدی بالا بودند از بین می‌روند و زمینه برای ورود کالاهای خارجی فراهم می‌شود.

او اظهار کرد: تاثیرات فرهنگی و اجتماعی موضوع دیگری است که نویسنده در این اثر مورد بحث قرار داده؛ یک نوع بی‌میلی به ادامه حیات شکل می‌گیرد به طوری که ازدواجها کاهش می‌یابد و افراد تمایلی به فرزندآوری ندارند. در همین مسیر، گروه‌های خیری شکل می‌گیرد و یک بازخوانی در نهاد علما صورت گرفته و نقش واسط بین حکومت و مردم برجسته می‌شود. دالس دست‌اندازی به اموال و دارایی‌های مردم توسط عمال حکومت را به شکل مفصل مورد بحث قرار می‌دهد و فروپاشی حکومت ممالک در ادامه تحت تاثیر این پاندمی اتفاق می‌افتد.

بهزادیان‌نژاد به مقایسه تبعات مرگ سیاه در غرب و شرق پرداخت و گفت: مرگ سیاه به ظهور اندیشه‌های منتهی به رنسانس کمک می‌کند و پزشکی نوین نهادینه می‌شود اما در شرق نوعی دنیاگریزی شکل می‌گیرد و مردم راحت‌تر مساله را می‌پذیرند و عوارض روحی و روانی کمتری نسبت به غرب دارند به طوری که در غرب فرار به جای ماندن تشویق و به علل مادی بیشتر توجه می‌شود. بینش مرگ در غرب با زندگی در هم می‌آمیزد و جدالی بین زندگی و مرگ رخ می‌دهد.

اپیدمی‌ها مرز نمی‌شناسند

سپس یوسف اباذری، جامعه‌شناس و پژوهشگر در این نشست گفت: خواندن ترجمه این کتاب برای من بسیار ارزشمند بود که با مطالعه آن به نکاتی دست یافتم که بسیار اهمیت داشت. گمان می‌کردم وقایع تاریخی علل دیگری دارد که در این اثر این امر به صورت شفاف‌تر مطرح شد. طاعون در غرب و در تاریخ ایران تاثیر داشته و نکاتی در این زمینه نمایان شد که می‌تواند برای عصر حاضر و آیندگان مفید واقع شود.

اباذری افزود: با مطالعه آثار این‌چنینی و آگاهی نسبت به تاریخ بی‌تردید بهتر می‌توانستیم کرونا را به عنوان یک بحران و بیماری همه‌گیر مدیریت کنیم. امروز همه بشر به جایگاه و اهمیت علم واقف هستند و می‌دانیم جهان در عصر مدرن به سر می‌برد. ما در دوران شکوفایی علم به سر می‌بریم اما با پیشرفت‌های پی در پی علوم می‌توان انتظار داشت در ۱۰۰ سال آینده علم کنونی بشر، کودکانه و ابتدایی به نظر آید.

اباذری با بیان این‌که طاعون منجر به تغییرات عجیبی شد، به توجه به بهداشت همگانی در آن دوران اشاره کرد و گفت: در آن دوران دریافتند که قرنطینه و ایجاد بهداشت در سطح کلی و مداوای همگان راهکاری برای برون‌رفت از بحران طاعون است، این امر حتی به تغییر شکل دولت‌ها منجر شد. یکی از اموری که امروز نیز در شرایط کرونا مطرح است موضوع «بهداشت همگانی» است به این معنا که خدمات پزشکی در اختیار عموم جامعه قرار بگیرد. نمی‌توان بهداشت و خدمات درمانی را به افراد خاصی اختصاص داد و انتظار داشت جامعه ایمن بماند!

این جامعه‌شناس ادامه داد: باید در ایجاد بهداشت جامعه، دولت یا به طور کلی حکومت و نیز همه افراد جامعه اعم از فقرا، افراد طبقات پایین و میانی و ... کوشا باشند تا سلامت جامعه حفظ شود و اگر کسی بیمار شد تلاش جامعه در راستای مداوای این فرد باشد. این مهم یکی از نتایجی بود که پس از طاعون یا مرگ سیاه در غرب به وجود آمد و آثار آن برای همه نمایان شد، به طوری که دولت‌های شرقی زمانی که به این امر واقف شدند از آن بهره بردند.

اباذری گفت: در قرون پانزدهم و شانزدهم زمانی که دولت‌ها آغاز به وضع یک سری مقررات برای حفظ سلامت همگانی کردند، افرادی به این عملکرد با افکار و ایده‌های خود حمله کردند و معتقد بودند که با این روش آزادی مردم سلب می‌شود و این روش مخل زندگی مردم می‌شود.

او با اشاره به انتقاد میشل فوکو از سازمان‌ها از جمله سازمان بهداشت جهانی، بیان کرد: او مدعی بود این سازمان‌ها در بدن، بهداشت، نحوه زندگی و ... مردم دخالت می‌کنند اما کرونا نشان داد این اتفاق به چه میزان یک‌جانبه است؛ واکسن کرونا را شرکت‌های خصوصی می‌سازند و از پول مالیات‌دهندگان بهره می‌برند، در این بین سازمان بهداشت جهانی موافق در اختیار گذاشتن فرمول تولید واکسن در همه کشورها بود و تاکید داشت بدون تزریق واکسن به کشورهای جهان سوم، بی‌تردید کشورهای دیگر نمی‌توانند به سلامت خود در برابر کرونا دست یابند.

این جامعه‌شناس افزود: تغییرات آب و هوایی بر اساس تحقیقات صورت‌گرفته و نیز با توجه به مطالب آورده‌شده در ترجمه این کتاب یکی از عوامل مهم عنوان شده که این فرضیه هم‌اکنون قوت گرفته است.

او با تاکید بر این‌که نمی‌توان بهداشت و سلامت جامعه و به طور کلی وضعیت جهان را به شرکت‌های خصوصی محول کرد گفت: این مهم نیازمند برنامه‌ریزی کلان است. در ایران برخی از شرکت‌های دانش‌بنیان داوطلب ساخت واکسن شدند و دسته دیگری از شرکت‌های تجارت‌بنیان خواستار واردات واکسن شدند. در هر دو صورت سلامت و بهداشت مردم به دست شرکت‌های خصوصی افتاده است که هریک به فکر منافع خود هستند. البته همه مردم باید در بهداشت جمعی و همگانی دخیل باشند. یکی از درس‌هایی که به دنبال شیوع ویروس کرونا آموختیم، مشابه نتیجه‌ای است که در طاعون یا مرگ سیاه به وجود آمد؛ به عبارت دیگر ما آموختیم که برای مدیریت این شرایط و مهار بحران کنونی باید به سراغ بهداشت عمومی برای همه مردم جامعه حتی فقیرترین افراد رفت چراکه همه به یکدیگر متصل هستند؛ طاعون یا کرونا مرز نمی‌شناسد و سلامت کشورهای پیشرفته و ثروتمندترین مردم وابسته به سلامت کشورهای جهان سوم و فقیرترین اقشار جامعه است.

این جامعه‌شناس به وظیفه رهبران کشورها در شیوع ویروس‌ها از جمله طاعون در آثار باقی‌مانده از گذشتگان اشاره و خاطرنشان کرد: در این آثار آمده است که رهبران کشورها باید مسئولیت آن را بپذیرند. تصور می‌کنم جهان بعد از مرگ سیاه جهان سابق نبود که آقای بهزادیان‌نژاد به عنوان مترجم این اثر به درستی به این مساله اشاره کرد. بدیهی است که دنیای بعد از کرونا نیز آموزه‌هایی را برای ما و آیندگان به یادگار می‌گذارد، نمی‌توان سلامت، زندگی و مرگ مردم را در این زمینه نادیده گرفت و نمی‌توان پذیرفت که این آیتم‌ها در اختیار سازمان‌هایی قرار گیرد که به منافع شخصی خود توجه دارند؛ ما به محیط زیست و سلامت همگان و عدالت در نزد همگان باید دقت و توجه کنیم و این مهم را کرونا بار دیگر بر ما متذکر شد.

کرونا نتیجه آلودگی محیط زیست است

در ادامه نشست مجازی نقد و بررسی کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی»، منوچهری با بیان این‌که این اثر از نظر تاریخی اثری عمیق است و بهزدیان‌نژاد به خوبی از پس ترجمه این کتاب برآمده، گفت: این کتاب به رغم این‌که ترجمه است اما ارزش علمی اولیه خود را اصالتا حفظ کرده است، چندین مرتبه این اثر ترجمه‌شده را مرور کردم و دریافتم که مخاطب در خواندن و مطالعه کتاب به دلیل وفور مفاهیم و مباحث بسیار با مشکلی روبه‌رو نمی‌شود. در چاپ دوم به خصوص به واسطه مقدمه آورده‌شده، کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی» به خوبی برای مخاطب معرفی شده است ضمن این‌که وجود مباحث و مسائل فعلی (شیوع ویروس کرونا) به دلیل موضوعیت داشتن با شرایط حال حاضر اهمیت این اثر ترجمه‌شده را افزون کرده است.

او تاکید کرد: موضوع فلسفه سیاسی و تغییر است که این اثر را بااهمیت و مطالعه آن را ضروری می کند. این کتاب دستور کار بسیار بزرگی داشته است و تلاش کرده همه مسائل و جوانب را درباره طاعون در خاورمیانه با تمرکز بر طاعون قرن هشتم و نهم مدنظر قرار دهد. این اثر به تعبیری برای خواننده اقناع‌کننده است. عدم انسجام مطالب از جمله کاستی‌های این اثر است که به دلیل بزرگی و گستردگی کار این موضوع می‌تواند طبیعی به نظر برسد.

منوچهری گفت: بر اساس منابعی که در چندین سال اخیر کار شده، یکی از علل شیوع طاعون و اپیدمی‌ها جنگ است، طاعون قرن چهاردهم در ۱۰ سال ابتدای جنگ‌های صدساله رخ می‌دهد، جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ به پایان می‌رسد و در سال ۱۹۱۸ آنفلوآنزای اسپانیایی شایع می‌شود که تلفات زیادی را با خود به همراه دارد.

او تأکید کرد: جهش‌های ژنتیکی شوخی نیست و به راحتی و سادگی رخ نمی‌دهد، اهمیت این امر بیش از آن چیزی است که نویسنده در اثر خود به آن اشاره کرده است. ما نیازی به این‌که پاسخی از جنبه الهیات به کرونا بدهیم نداریم، کرونا نتیجه آلودگی محیط زیست است و آلودگی محیط زیست توسط بشر ایجاد شده است. برهمین اساس برای فهم پدیده طاعون و کرونا باید توجه بیشتری به مسائل زیست‌محیطی داشته باشیم.

او در ادامه بیان کرد: نویسنده مقایسه‌ای بین طاعون در خاورمیانه و مرگ سیاه در اروپا می‌کند اما نمی‌دانم به چه دلیلی از مساله‌ای غفلت می‌کند که بسیار بااهمیت است و این موضوع مربوط به تغییرات است؛ نویسنده بیش از هرچیزی به افول نظر دارد اما این امر درباره اروپا رخ نمی‌دهد، اتفاقی که در اروپا رخ می‌دهد این است که جمعیت کاهش می‌یابد که اثر فوری در توزیع ثروت دارد. در اروپا یکی از وظایف کلیسا و کشیش هر روستا این بود که وقایع را به صورت روزانه ثبت کند بر همین اساس تمام مباحث تاریخی و اجتماعی اروپاییان مستند است. آن‌ها در مواجهه با طاعون با دو دیدگاه ادامه حیات می‌دهند، مصرف‌گرایی در آن‌ها ترویج می‌یابد، لباس‌های فاخر استفاده می‌کنند و بر همین اساس طاعون باعث می‌شود تجارت خارجی در اروپا گسترش یابد و این امر بسیار بااهمیت است و اما عده‌ای با نگرش به آن دنیا ادامه می‌دهند و ثروت خود را به کلیسا می‌بخشند و کلیساها معدن ثروت می‌شوند.

در پایان قربان بهزادیان‌نژاد در پاسخ به نقد و بررسی‌های صورت‌گرفته از کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی» گفت: به اعتقاد من در کتاب‌های پزشکی و منابع رشته‌های آزمایشگاهی، همواره هم‌نشینی جنگ، فقر، قحطی، همه‌گیری‌ها، سوءتغذیه و ... وجود داشته اما در ادبیاتی که در جامعه ایرانی در خصوص تغییرات وجود دارد، بیماری‌ها و همه‌گیری‌ها نقش محوری و اساسی ایفا نمی‌کند.

او افزود: این کتاب انتخاب شد تا نوعی هشدار به نقش بیماری‌ها در کنار دیگر عوامل باشد. ما در سال‌های گذشته بیماری‌های نوظهور و یا قبلا از صحنه خارج‌شده و دوباره ظهورکرده را به طور فراوان شاهد بوده‌ایم. دیده شدن تحولات در کنار بیماری‌ها و به خصوص همه‌گیری‌ها در تاریخ بشر بسیار حائز اهمیت است.

به گفته بهزادیان‌نژاد، تغییرات محیط زیست و تکامل در عرصه موجودات یا میکروارگانیسم‌ها یا حیوانات بزرگ‌تر در مرگ سیاه مورد توجه نویسنده بوده است.

او همچنین درباره انتخاب عنوان کتاب گفت: احوالات و فضای روحی و روانی افراد در زمان ترجمه یا نگارش اثر بر نتیجه حاصله موثر است. به خصوص زمانی که در ترجمه از علوم و تجارب دیگران استفاده می‌کردم کاملا مشخص بود که نویسنده می‌خواهد موضوعی را مطرح کند و آن موضوع این است که در جهان اسلام عنصر عقل مغلوب نگرش‌های تحجرگرایانه و جهل‌گرایانه شده است.

این پژوهشگر و مترجم تاکید کرد: به عنوان فردی که در مجموعه بهداشت و درمان در حال فعالیت است این موضوع را که برخی از افراد ناتوان در استفاده از امکانات حداقلی برای درمان هستند به خوبی لمس می‌کنم. تکرار مجدد تاریخ حول یک پدیده بیماری با همه تلاش‌های جامعه علمی، تقابل دین و علم و نیز تقابل انسان مدرن و انسان سنتی را نشان می‌دهد.

اخبار

«دژاوو» نوشته مهرداد صدقی منتشر شد

به نقل از روابط عمومی انتشارات کاشی، نخستین کتاب این نشر با نام «دژاوو» نوشته مهرداد صدقی منتشر شد.

مهرداد صدقی درباره کتاب جدیدش گفت: «دژاوو» به معنای آشنایی پنداری است، به زبان ساده‌تر همان حس و حال آشنایی است که با دیدن کسی، چیزی، مکانی و یا اتفاقی آن را آشنا می‌پنداریم، گو اینکه آن را پیشتر در خواب یا رویا دیده‌ایم. اخیرا گفته میشود این امر ناشی از خاطرهسازی آنیِ مغز از رویدادی در لحظه است و برآورد اشتباه مغز، اما در عالم داستانی دژاوو، مرزی بین واقعیت، رویا و یا اشتباه مغز نیست و مخاطب باید حدس بزند کدام رویداد واقعیست، کدام خاطره و کدام پنداشت مغز.

وی افزود: «دژاوو» خرده داستان‌هایی است از موقعیتهای عجیبی که مردمی عادی در آن گرفتار میشوند. زندگی هر فرد سرشار از خردهداستانهاست که با کنار هم قرار گرفتن این خردهداستانها، داستان کاملتری شکل میگیرد و مانند پازل در کنار هم قرار می‌گیرند تا روایت اصلی داستان را شکل دهند. شما قهرمان داستان زندگی خود اما نقش فرعی یک خردهداستان و یا یک زندگی دیگر هستید. چه میشود اگر نقشتان فراتر از یک نقش فرعی ساده باشد حتی برای رهگذری که از کنارتان میگذرد. در دژاوو، تک تک افراد مانند اثر پروانه‌ای بر زندگی هم تاثیر دارند، حتی با اینکه شاید فقط برای لحظه‌ای هم را دیده باشند.

وی در رابطه با «دژاوو» گفت: مخاطب در تالیف ذهنی اثر مشارکت دارد تا مانند کنار هم قراردادن قطعات یک پازل، شکل نهایی را بسازد و داستان اصلی را کشف کند. بنابراین در کنار لذتِ احتمالی ناشی از خوانش خردهداستانها، همین کشف و برساختن داستان اصلی است که ممکن است برای مخاطب لذت بخش باشد.

صدقی در پاسخ به این سوال که آیا این کتاب، رویکردی طنز دارد یا خیر اظهار داشت: این کتاب مثل دو کتاب «رقص با گربه‌ها» و «سال سیل» جدی است و یک نقطه اشتراک با آنها دارد و آن اینکه ساحت خواب و رویا در آن به شدت پر رنگ است. این کتاب به دنبال آگاهی بخشی به ضمیر ناخودآگاه خواننده است و با استفاده از ویژگی‌های خواب و رویا به فهم بیشتر داستان منجر می‌شود.

نویسنده کتاب «آبنبات هل دار» گفت: این کتاب تاثیرات روانکاوانه دارد و مطالعاتی که پیش از این در حوزه روانشناسی و روانکاوی داشته‌ام به من کمک کرده است اما آنچه مد نظر من بوده، خلق اثر داستانی است نه نوشتن یک کتاب روانکاوانه.

مهرداد صدقی پیش از این با آثار پرفروشی چون «آبنبات هل‌دار»، «آبنبات پسته‌ای» و «آبنبات دارچینی» محبوبیت فراوانی در بین اهالی کتاب به دست آورده است. اگر از طرفداران آثار مهردادصدقی و رمان ایرانی هستید، «دژاوو» یک کتاب جذاب و متفاوت است. «دژاوو» را از دست ندهید.

کتاب زندگینامه فرمانده نابغه قرارگاه حیدریون منتشر شد

«ماه کامل» روایت زندگی مجاهد شهید سردار مرتضی حسین‌پور(حسین قمی) پس از دوسال مصاحبه و جمع آوری خاطرات توسط انتشارات شهیدکاظمی روانه بازار شد.

«ماه کامل» روایت زندگی مجاهد شهید سردار مرتضی حسین‌پور(حسین قمی) پس از دوسال مصاحبه و جمع آوری خاطرات توسط انتشارات شهیدکاظمی روانه بازار شد.

شهید حسین‌پور متولد ۳۰ شهریور سال ۶۴ بود. در سال ۸۳ وارد سپاه شد. در دانشکده افسری دوره آموزشی را گذراند. و در سال ۹۲ با شروع فتنه در سوریه وارد منطقه شد و مسئولیت‌های مختلفی را گرفت. او همان سال یکی از فرماندهان قرارگاه حیدریون بود. سال ۹۳ با ورود داعش به عراق، حسین به عراق اعزام شد. جزء اولین افرادی بود که با حاج قاسم در پدافند بغداد - سامرا مشارکت داشت. نبوغ و مجاهدت‌های او به گونه‌ای بود که فرماندهان به او لقب حسن باقری زمان را دادند. او صدها نفر همچون محسن حججی را زیر دست خود پرورش داد تا تکفیری‌ها نتوانند حتی به بخشی از خواسته‌های خود در منطقه برسند. این فرمانده زبده نظامی در همان معرکه‌ای که شهید حججی به اسارت درآمد به شهادت رسید اما پیش از شهادتش نقشه شوم داعش را برای به راه انداختن حمام خون بر هم زد و جان بسیاری از رزمندگان مقاومت را نجات داد. مرتضی حسین‌پور فرمانده عملیات قرارگاه حیدریون در سوریه بود که در ۱۶ مرداد ۱۳۹۶ در منطقه تدمر سوریه در جریان فرماندهی نیروهای عراقی به درجه رفیع شهادت رسید.

مرتضی سن زیادی نداشت، اما آنقدر در ماموریت‌های رزمی موفق ظاهر شده بود که همه مثل یک ژنرال کهنه کار نگاهش می‌کردند. همین بود که مرتضی پس از گذشت حدود شش و نیم سال حضور در خاک عراق، وارد سوریه شد و اولین جبهه حضور او در آنجا، منطقه «سیده زینب» در ریف جنوبی دمشق بود؛ در زمانیکه اکثر مناطق حومه دمشق به دست گروه‌های معارض مسلح افتاده بود و نبردها به ورودی‌های شهر دمشق رسیده بود.

ماه کامل؛ روایت زندگی مجاهد شهید سردار مرتضی حسین‌پور(حسین قمی) در قطع رقعی و ۶۰۸صفحه به قلم شهلا پناهی لادنی توسط انتشارات شهیدکاظمی روانه بازار شد

علاقه‌مندان جهت تهیه کتاب می‌توانند از طریق سایت انتشارات شهید کاظمی(https://nashreshahidkazemi.ir/) یا من و کتاب (manvaketab.ir) و یا از طریق ارسال نام کتاب به سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱ کتاب را با تخفیف دریافت نمایید.

کتاب «رسانه‌های اجتماعی و روابط عمومی» منتشر شد

کتاب «رسانه‌های اجتماعی و روابط عمومی» اثر تالیفی سه اندیشمند حوزه ارتباطات از سه ملیت مختلف به نام‌های جودی موشن، رابرت ال هیث و شرلی لیچ و ترجمه مشترک دکتر مهدی منتظر قائم و جعفر محمدی منتشر شد.

این کتاب با برجسته کردن شرایط متاثر از ظهور فضای مجازی به ویژه رسانه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر، به این مسأله می پردازد که محیط جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی، چه تحولاتی در عرصه فعالیت و کنش روابط عمومی ایجاد کرده است. آن چه در این میان واضح تر دیده می شود، پیدایش نوعی فرهنگ مشارکتی توسط رسانه های اجتماعی است که در تصادم و تقابل با فرهنگ تبلیغاتی یک سویه روابط عمومی های کلاسیک قرار می گیرد. این امر مشکلات و مسائلی پدید می‌آورد که حل و فصل آن‌ها در ابتدا، نیازمند درک صحیح دگرگونی‌های به وجود آمده است. دگرگونی در روابط قدرت-دانش، دگرگونی تدریجی در فرهنگ و سبک زندگی، درگیر شدن کاربر-مخاطب در روابط همکاری جویانه با سازمان‌ها و مبادله اطلاعات و همرسانی زندگی روزمره به صورت عمومی در کنار شکل گیری هویت های جدید، تنها نمونه‌هایی از تفاوت‌های موجود بین فرهنگ روابط عمومی سنتی و روابط عمومی در حال ظهور در جهان تحت نفوذ رسانه های اجتماعی است. روابط عمومی در عصر رسانه های اجتماعی نیازمند تغییرات بنیادین در سبک و شیوه فعالیت خود است. یکی از مهمترین این تغییرات، کاستن از توجه صرف به اهداف سازمان و بازطراحی سیاست های سازمانی با تاکید بر منافع جمعی با رویکرد مسئولیت اجتماعی است؛ این کتاب مملو از مثال‌هایی از پویش های طراحی شده توسط سازمان ها و شرکت های بزرگ با این رویکرد است. در حقیقت رویکرد جامعه محور در مقابل رویکرد سازمان محور، کلید طلایی برای ورود و پذیرش روابط عمومی‌ها در ساختار نوین ارتباطی است.

کتاب حاضر به دلایل مختلف می تواند برای مخاطب ایرانی و به ویژه برای مدیران و سیاستگذاران حوزهٔ روابط عمومی مفید باشد. هر چند ادبیات نظری استفاده شده در کتاب شامل مجموعه‌ای از آرای نظریه پردازان بزرگ (چون میشل فوکو، پیر بوردیو، ایمانوئل کاستلز و ....) است، اما زبان حاکم بر کتاب، قابل فهم بوده و استفاده از واژه ها و استعارات تخصصی و ثقیل علمی، به نحوی انجام گرفته که امکان فهم موضوع را برای افراد دارای تخصص کمتر نیز فراهم می کند. کتاب مملو از مثال های فراوان و جدید است و اغلب مربوط به اتفاقات یک دهه اخیر بوده و طبعا بسیاری از خوانندگان به ویژه متخصصین روابط عمومی، اشراف ذهنی نسبی به این مثال ها یا موارد مشابه وطنی دارند. شاید مهمترین دلیل انتخاب این کتاب -در کنار دلایل متفاوت دیگر- این بود که انتشار این اثر -به زعم ما- می تواند در تغییر نگرش فعالان و کنشگران روابط عمومی جامعه ایران و آشنایی آن ها با تجارب سایر جوامع و فرهنگ ها موثر باشد؛ تجربیاتی که شامل سیاست های موفق و شکست‌خورده‌ای است که در سال های ا